



شهید علی لطفی نسب نعمت آباد

ولادت: ۱۳۴۴/۱/۱۰، شهر ری

پذیرش در رشته اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی

شهادت: ۱۳۶۵/۶/۲۴، منطقه حاج عمران

آرامگاه: چهاردانگه، امامزاده عباس

#### زندگی نامه

شهید علی لطفی نسب در دهم فروردین ۱۳۴۴ چشم به جهان گشود. هر سه دوره تحصیلی خود را در روستای چهاردانگه گذراند و در سال ۱۳۶۲ دیپلم خود را دریافت نمود و همان سال در رشته اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. او فرمانده بسیج روستای چهاردانگه بود و از سال ۱۳۶۲ عازم جبهه شد و در عملیات خیبر شرکت کرد.

رژیم بعثی عراق در یک دفاع متحرک با هفت تیپ و دوازده گردان کماندایی به هدف باز پس گیری پادگان حاج عمران به این منطقه حمله کرد و شهید لطفی نسب در بیست و چهارم شهریور ۱۳۶۵ در این منطقه به شهادت رسید.

## فرازی از وصیت‌نامه

این حقیر با بینشی نسبتاً عمیق و علمی که ناشی از عنایات حضرت حق و لطف خانواده مذهبی و استادان گرانقدرم می‌باشد، شهادت می‌دهم خدایی جز معبود پاک و بی‌نیازمان نیست. بارالها! با کوله‌باری پر از گناه سر به سجده آوردم و از درگاهت طلب مغفرت دارم. خوف آن دارم که این بنده عاصی را همراه گمراهان به دوزخ بری و بین مخلوق و خالقش جدایی بیافتد. با مطالعه در تاریخ و ادیان و قرآن مجید شهادت می‌دهم حضرت محمد (ص) آخرین رسول خدا در میان آدمیان است و از خاندان ابراهیم، خلیل الله بت شکن تاریخ است؛ او که با زبان شیوا و علم خدایی‌اش توانست در مقابل سختی‌ها و امتحانات خدایی بایستد و موفق بیرون بیاید و پایه‌گذار دین مبین اسلام باشد. شهادت می‌دهم که امیر مؤمنان علی (ع) تنها جانشین و امام بعد از حضرت رسول بوده است و کسی را جز او لایق این مسئولیت بزرگ نمی‌دانم و فرزندان او از امام حسن (ع) تا حضرت مهدی (عج) امام و پیشوایان بعد از او می‌باشند.

در زمان غیبت حضرت مهدی (عج) نایب بر حقش پیر جماران را رهبر و ولی فقیه می‌دانم و ندای ملکوتی‌اش را به گوش جان می‌شنوم. هم او فرمود جبهه رفتن از اهمّ واجبات است و من دریافتم که جهاد حتی از تحصیل واجب‌تر است و دانستم که علم را هم می‌توان در این مکان ملکوتی تحصیل کرد. به تمام کسانی که می‌خواهند قدمی به سوی خدا و ائمه معصومین نزدیک شوند، پیشنهاد می‌کنم که در جبهه حضور یابند و در کنار دیگر رزمندگان چند صباحی به سر برند. من همیشه معتقد بوده‌ام که نه اسلام به انسان نیاز دارد و نه خداوند به جبهه‌ها و نه بسیج، این مکان خویشتن شناسی به ما نیازمند است؛ این ما هستیم که برای خودسازی و رهایی از منیت به این‌ها نیازمندیم. الهی! مرا به مکان مقدّسی آورده‌ای که تقدّس این مکان از فطرت زیبا و خون عزیزان به دست آمده است.

معبودا! ماندن دشوار شده است در غربت زمین، بی یار و یاور حضور داشتن، خود غیبت است. گویی که بار مسئولیت و البته در کنار آن تمرّد و معصیت پشت‌مان را شکسته و زنجیر درد وجودمان را بسته و غم در سینه‌مان نشسته. ما از نبودن یاران رنج نمی‌بریم؛ بلکه از بودن خویش در رنجیم. خوب می‌دانیم که آنها هستند و ما زندگان مرده‌ایم با قلب شکسته، دستان پینه بسته، پای بریده و قدی خمیده.

دوستان و برادران عزیزم! به قبرستان بیایید و اگر می‌توانید خوب است تنها باشید. سخن بیهوده نگویید. به نماز و کارهای واجب اهمیت بدهید و قرآن را نیز تلاوت نمایید. در تمام کارهایتان رضای خدا را در نظر بگیرید و در اول هر کاری نام خدا را فراموش نکنید و از ردائیل اخلاقی دوری گزینید. اعمال هر روزتان را در شب قبل از خواب محاسبه کنید و آنها را تصحیح نمایید و یک سوره از قرآن مثلاً سوره واقعه را بخوانید و بعد بخوابید. در بسیج مظلوم شرکت کنید و همراه دیگر بسیجیان عزیز به خودسازی بپردازید. بسیجیان عزیز پرشور، بدون غرور و بی‌ریا، کم حرف و پر عمل هستند و حضور آنهاست که به جبهه‌ها روح می‌دهد.